

آکساندر پوشکین

❖
داستان سر روان

ویراستار: حسین نویری

ترجمه: حسین نویری

ویراستار: همایون جوانمردی

سرشناسه: Pushkin, Aleksandr پوشکین، الکساندر ۱۷۹۹-۱۸۳۷ م

عنوان و پدیدآور: دختر سروان و داستاهای دیگر / آleksandr پوشکین:

ترجمه حسین نوروزی، ویراستار همایون جوانمردی

تهران: جامی، ۱۳۹۱.

ص. ۲۲۴

978-964-2575-067-9

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

فبیا

داستان های کوتاه روسی - قرن ۱۹

موضوع:

نوروزی، حسین - مترجم.

شناسه افزوده:

جوانمردی، همایون - ویراستار

شناسه افزوده:

PG۳۳۲۶/۳۵ ۱۳۹۱

رده بندی کنگره:

۸۹۱/۷۳۳

رده بندی دیویی:

۲۹۲۳۶۵۹

شماره کتابخانه:



خا دانشگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن ۶۶۴۰۰۲۲۳

www.Jamipub.com

info@jamipub.com

دختر سروان و داستان های دیگر

الکساندر پوشکین

ترجمه: حسین نوروزی

ویراستار: همایون جوانمردی

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: فراین

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۶-۰۶۷-۹

ISBN: 978 - 600 - 176 - 067 - 9

۸۵۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس در نقد و بررسی) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مندرجات

صفحه	موضوع
۵	پیش‌تاریخ
۱۹	دختر سران
۲۱	فصل اول - گروه گارد
۳۳	فصل دوم - بلا
۴۷	فصل سوم - تلعه
۵۷	فصل چهارم - دود
۶۹	فصل پنجم - عشق
۷۹	فصل ششم - شورش پوگاچف
۹۱	فصل هفتم - هجوم
۱۰۱	فصل هشتم - مهمان ناخوانده
۱۱۱	فصل نهم - فراق
۱۱۹	فصل دهم - محاصره شهر
۱۲۹	فصل یازدهم - برابر شهر یاغیان
۱۴۱	فصل دوازدهم - یتیم
۱۵۱	فصل سیزدهم - دستگیری
۱۵۹	فصل چهاردهم - محکمه
۱۷۱	بوران
۱۹۳	تابوت ساز
۲۰۷	متصدی چاه بارخانه

پیش‌گفتار

آلساندِر سرگیویچ پوشکین^۱ فرزند نابغه ملت روس، در ۲۶ مه (۶ ژوئن جدید) ۱۷۹۹ در پتروزلودسک زاده شد و در ۲۹ ژانویه ۱۸۳۷ درگذشت. در ۳۰ سالگی به علت بیماری قلبی درگذشت. او در دوران پرورش و شکفتگی این گل خوشرنگ و بوستاندگار، در نیکولای اول و نیکلای اول، در روسیه مستبدانه سلطنت می‌کردند. از ابتدای این قرن در گورهای و کنار کشور پهناور روس، زمزمه‌هایی نو شنیده می‌شد، افکار اروپایی در این جزایر با بسط می‌یافت. زمین‌داران بزرگ، که از رشد این افکار می‌ترسیدند، زنجیر انقیاد و فرمانبری را، برگردن دهقانانی که از کثرت فقر و هیچ دست و شورش و بلوا می‌زدند، استوار سازند. تحولاتی که در کشورهای اروپای غربی می‌داد و انقلابی که در اواخر قرن هیجدهم در فرانسه به وقوع پیوست، نمایندگان داران روسیه را بیدار کرده بود؛ به تکاپو افتاده بودند و می‌خواستند از تأثیر این ماجرا در کشور خود جلوگیری نمایند. توسعه تمدن در فرانسه، رشد دموکراسی و انقلابی، جنگ بر ضد استبداد و بردگی و سنن پوسیده مذهبی، تأثیر بزرگ در روسیه جای می‌گذازد، مردم با شور و شوق آثار دانشمندانی چون ولتر، دانتون و هولباخ، را می‌خواندند و هوشمندان آن زمان روسیه، با تمام قوا از استبداد و بردگی انتقاد می‌کردند.

1. Alexandre Serguieevitch Pochkin

عدم رضایت دهقانان و نهضت‌های دهقانی، امپراتوران روسیه را ترسانده بود و جوانان نوמיד و پژمرده روس، با دیدن این ماجراهای امیدبخش، کم‌کم از آغوش یأس و پژمردگی بیرون می‌آمدند و به پیشواز زندگی می‌شتافتند. همپایه این پیشرفت‌ها، اقتصاد روسیه نیز در حال توسعه بود. در عصر پوشکین در روسیه دو طبقه وجود داشت، یکی نجبا و دیگری بردگان. در این دوره نجبا برای تحصیل بازارهایی در داخل و خارج کشور، دست به تولید «سیستما تیک» زدند. تحولی که بدین ترتیب تدریجاً در وضع تولید روسیه، به وقوع می‌پیوست نجبا را توجیه می‌کرد. بسیاری که از این رهگذر عاید آنان می‌شد ساخت، و ضمناً در بلند کردن بهره‌وری‌های آزمندانه آن‌ها تا زمانی می‌تواند دوام یابد که بردگان روزگار به‌اند. همه این جریانات مقدمه جنبش انقلابی دسامبریت‌ها را فراهم می‌کرد.

در سال ۱۸۱۲، پستل اتحاد دسامبریت‌ها در پترزبورگ تشکیل شد. همچنین در اوکراین، بسیاری از دسامبریت‌ها نام «مجمع جنوب» را بر خود گذاردند. که دسامبریت‌ها عبارت بود از پشتیبانی از بردگان و تقاضای تبدیل استبدادی، به سلطنت مشروطه یا جمهوری. دسامبریت‌های پترزبورگ از مشروطیت و دسامبریت‌های جنوب از جمهوریت جانبداری می‌کردند. در ۱۸۲۵ یعنی چند هفته پس از مرگ آلساندرو اول، دسامبریت‌های پترزبورگ شورش برپا کردند. نیکلای اول جانشین آلساندرو اول، به شورشیان وحشیانه‌ای در پیش گرفت؛ ولی به زودی شورش دسامبریت‌ها، سرکوب و آغاز شد. از طرف دولت، به هر دو گروه انقلابی سخت‌گیری‌ها را روا شد. شش تن از رهبران انقلاب یعنی: پستل^۱، ریلیف^۲، سرگئی^۳، مرایوف^۴، آپوستول^۵، بستوشف ریومین^۶ و کاخوسکی^۷ را به دار آویختند. یکصد دسامبریت

1. Pestel

2. Ryleyev

3. Sergei

4. Murawyov Apostol

5. Bestushev-Riumin

تن را به اعمال شاقه در سیبری محکوم کردند و هزاران تن از سربازانی را که در شورش شرکت داشتند به قفقاز فرستادند. عده کثیری از این سربازان بر اثر بیماری یا نزاع با چریک‌های امپراتوری مردند. دسامبرست‌ها آن قدر توانا نبودند که دستگاه استبداد را وازگون سازند، نجیب‌زادگان آن زمان با نیکلا همراه بودند و نیکلا با همه قدرت خود در فرو نشانیدن آتش رستاخیز تسوده‌ها می‌کوشید. این بود نموداری از وضع روسیه در دوران پوشکین.

پیش از ادبی پوشکین: پوشکین شاعر و نویسنده‌ای است به تمام معنی رئالیسم مدرن. او، نویسندگان و شاعران روس، از همکاران فرانسوی خود تقلید می‌کرد و از آنها نیز به نوبه خود، زیر تأثیر نویسندگان کلاسیک بودند. بدین ترتیب رسیسم با همه جمود خود بر ادبیات روس حاکم بود. در آثار این نویسندگان اثری از وضعیت‌های زندگی آدمی دیده نمی‌شد؛ آثار خود را به زبان مردم نمی‌نوشتند، احساسات، عواطف و احساسات اجتماع خود را در نظر نمی‌گرفتند. الگوهای کهنه‌ای داشتند که محصولات ذهن خود را، همانند آن الگوها تنظیم و تحریر می‌کردند، آثار که این گونه فراهم می‌شد، چون از سرچشمه زندگی مردم سیراب نمی‌شد در حال مردم می‌نشست، بلکه چون عتیقات مورد ملاحظه واقع می‌گردید.

پیش از پوشکین هم شاعرانی چون کارامزین و شوکوفسکی^۶ با کلاسیسیسم مبارزه کرده بودند، ولی آن‌ها از مکتب رمانتیسم و رمانتیکالیسم^۷ دفاع می‌کردند که خود از رئالیسم هنری، و از واقع‌بینی دور بودند. عیناً از کلاسیسیسم و قبول رمانتیسم خود قدمی است به پیش؛ ولی چون رمانتیسم از نظر فلسفی مبتنی بر جهان‌بینی ایدئالیستی است نمی‌تواند شاهد واقعیات زندگی گردد. کارامزین و شوکوفسکی هنگامی که از زندگی بردگان روس سخن

6. Kochowskiy

7. Karamsin

8. Shukowski

9. Sentimentalism

می‌گویند، گویی در ملكوت اعلی سیر می‌كنند، و زندگی رنجبار آن‌ها را نمی‌بینند و ناله‌های آن‌ها را نمی‌شنوند.

كارامزین می‌گوید:

اریاب‌هایمان را كه نجیب و بزرگوارند

با شوخی و آواز می‌ستایم

سخنان ما چندان دل‌نشین نیست

ولی دل‌های ما لبریز از شورش

شك‌فشی وضع دهقانان روس را این‌گونه تشریح می‌كند:

ر همه‌ی گذاران تدرستی موج می‌زند

برین‌ها بی‌ان، آبدار و سبز

گله‌های سوار و می‌چرند

كشتزاران، سبزه‌ها خدم به دوش دارند

و آهسته چون دریای خشک می‌لرزند

دل دهقان از شادی شكفته است

زیرا انبار او پر است

طرفداران مكتب رمانتیسم این‌گونه زندگی دهقانان روس را مجسم

می‌کردند! روشن است كه این‌ها همه دروغ پرزی‌های آشكاری می‌بود. کسی

كه بساط این توهمات كاذب و این خیالبافی را برپا داشت، و دروغ را برچید، و قدم

در وادی نویی گذارد، آلكساندر سرگیویچ پوشكين بود. پوشكين بنیانگذار

رنالیسم روس و کسی بود كه زندگی را شناخت، هنر را شناخت، و هنر را در

خدمت زندگی و اجتماع گذارد. رنالیسم پوشكين مبتنی بر واقعیت‌ها و واقعیات و

نموده‌هایی بود كه در بیان وقایع سی سال نخستین قرن نوزدهم روسیه، سال از

آن‌ها یاد كردم.

زندگی ادبی پوشكين: پوشكين نخستین قطعه شعر خود را به نام «به

دوست شاعرم» در ۴ ژوئیه ۱۸۱۴ در وست نیک و وروپی^۱ منتشر كرد و از آن

پس، ۲۳ سال، یعنی تا پایان عمر خود، در میدان پهناور ادب یکه‌تاز بود و چون گوهری به تاج ادبیات روس می‌درخشید.

پوشکین، میهن و ملت خود را می‌پرستید، دوست می‌داشت که روسیه سربلند و پرآوازه شود و همچنین دوست می‌داشت که مردم روس خوشبخت و آزاد زندگی کنند. و انعکاس این دو خواسته که از سرچشمه رئالیزم عمیقی برآب می‌شود، در همه آثار او نمودار بود.

پوشکین در سالی زاده شد که سپاهیان روس، زیر فرمان «سوروف» اول، در دشت‌های شمال‌ایتالی، و کوهستان‌های سویس، با سپاهیان ناپلئون دیکتاتور بی‌تاج فرانسه می‌نگیدند.

نخستین غم در راهنگام آتش‌زدن مسکو، عقب‌راندن ارتش مهاجم ناپلئون از روسیه و در پیروزی نه‌اندانه ارتش روس، به پاریس سرود.

در این دوره، روسیه در راه وسعت و عظمت گام برمی‌داشت، سوندی‌ها را از یک سو و ترک‌ها را از سوی دیگر درهم می‌شکست: به دریای بالتیک و دریای سیاه راه می‌یافت. به گفته پوشکین روس چون جهازی در زیر ضربت تیرها و غرش توپ‌ها، وارد اروپا می‌شد.

پوشکین در حالی که از ادبیات عظیم روس و سنت‌های آن و همچنین تاریخ بزرگ وطن خود آگاه بود وارد میدان ادب و تاریخ عظیمی که قبل از طلوع پوشکین در روسیه روی داد، بالخصوص جنگ ملی ۱۸۱۲ برضد ارتش متجاوز ناپلئون در آثار پوشکین تأثیر عمیقی به جای گذاشت. پوشکین درباره جنگ ۱۸۱۲ می‌نویسد: «پروزی کوتوزوف^۱ به نحوی جدایی‌ناپذیر با تاریخ روسیه و خاطره بزرگ‌ترین وقایع تاریخ جدید بستگی دارد». پوشکین این جنگ را یک جنگ ملی و توده‌ای می‌شمرد و در این باره می‌نویسد: «عقد کوتوزوف می‌توانست از عهده نبرد بورودینو برآید... زیرا تنها کوتوزوف اعتماد ملت برخوردار بود».

پوشکین شانزده ساله بود که آفتاب عمر ناپلئون غروب کرد و ماجرای او با

دومین ورود سپاهیان روس به پاریس پایان گرفت. هفده ساله بود که «جامعه نجات» دسامبريست‌ها به وجود آمد. ۲۱ ساله بود که آتش انقلاب در اسپانی و ناپل شعله‌ور شد. ۲۲ ساله بود که مردم یونان برضد ترك‌ها قیام کردند. ۲۶ ساله بود که قیام دسامبريست‌ها در «میدان سنا» به وقوع پیوست. در حالی که سال‌های سی سالگی قدم می‌گذاشت که جنگ‌های روس و ترك و انقلاب فرانسه و قیام لهستان جریان داشت.

در همین سال‌ها، در ادبیات روس هم وقایع شگرفی به وقوع می‌پیوست. در این سال‌ها فابل‌های کریلوف^۱، آثار گریبایدوف^۲، نشر گوگول^۳، مقالات بلنسکی^۴ و تتبعات ادبی لرمانتوف^۴ ظاهر می‌شد. ولی مهم‌ترین آثار ادبی این دوره، آثاری است که قلم توانای پوشکین آن‌ها را رقم زده است. هر یک از آثار که از جنگ سانسور می‌رهید و انتشار می‌یافت، موجب مباحثات فراوان در مجلات و روزنامه‌ها می‌شد.

پوشکین در امور اجتماعی اطلاعات وسیع داشت، و از نظر سیاسی همدوش اشراف انقلابی که در سانسور دسامبريست‌ها جایی داشتند، قرار گرفته بود. او به آن پایه نرسید که دهقانان انقلابی جایی گیرد، ولی دشمن دوستاندار سیستم بردگی بود، او می‌دانست که تناقض میان اشراف حاکم و دهقانان محکوم، مهم‌ترین تضاد حیات اجتماعی روسیه آن زمان بود. پوشکین هماهنگی خود را با دسامبريست‌ها ضمن خطوط انقلابی بیان می‌کرد و به همین مناسبات تبعید و نفی بلد شد. هنگامی که باره این رستاخیز از او پرسید، پاسخ داد: اگر آن روز در سنت پترزبورگ بودم در صف رستاخیزکنندگان جای می‌گرفتم. بی‌شک آثار و اشعار او سانسور نابغه؛ برای انقلابیون دسامبريست مایه الهام و عبرت می‌بوده است.

در جوانی نوشته بود:

ای رفیق باور داشته باش که از گریبان سپیده‌دم

1. Krylov

2. Griboyedov

3. Belinsky

4. Lermontov

خوشبختی، صبح سعادت خواهد دمید
 روسیه از خواب گران برخواید خاست
 و بر ویرانه‌های قوای بربری
 نام‌های پیروزمند ما نقش خواهد شد.
 باز می‌گوید:

ایا به راستی آرزوی روزگار درخشان را از سر نهاده‌ایم.
 نه. من شادمانه: دوران یکرنگی را پیش‌بینی می‌کنم.
 ما جای گمانگ خون را هماهنگ خواهیم نوشید.
 و من خودم گفتم: «صور اسرافیل» دمیده است.
 در این سامان است‌هایی که به سیری تبعید و به اعمال شاقه محکوم شده
 بودند چنین نوشت:

آن‌ها در ژرفای کانال هولناک سیری
 با صبر غرورآمیز پسم پناه می‌دهد
 رنج‌های تلخ شما، به ثم خنک رسد،
 و شور و شوق عظیم شما باره می‌رسد.
 در جای دیگر می‌گفت:

ولی چه می‌گویی، به هر سو که چشم می‌گذر
 تنها زنجیرها و تازیانه‌ها

و مردمی را می‌بینید که از رنج به جان آمده‌اند
 و در زیر سلطه قوانین ننگین سخت درهم می‌فشرند
 باز هم می‌گوید:

وحشی‌گری این سرزمین را به لرزه درآورده است
 ولی اینان بیدار می‌شوند و شمشیر به دست می‌گیرند
 برخیزید و یوغ بندگی را واژگون کنید!

رستاخیز دسامبريست‌ها در هم شکست و انقلابیون محکوم یا تبعید شدند.
 سیاه‌ترین دوران حکومت نیکلا آغاز شد. نه تنها قلم‌ها را شکستند و زبان‌ها را

بریدند، بلکه دم‌ها را نیز در سینه‌ها حبس کردند. پوشکین را در این دوره سخت می‌پاییدند. شاعر پرشور کمی آرام گرفته بود، ولی دشمنان او می‌دانستند که این پهلوان یک‌ه‌تاز، میدان را خالی نکرده است. به راستی هم که شور و رزم با استبداد در درون او به تندی جوش می‌زد. چهرهٔ برافروخته و پرشور او از میان دست‌نویس آثارش، که دست به دست می‌گشت به چشم می‌خورد. خود او می‌دانست که چه تأثیر شگرفی بر ادبیات روس دارد و در اوایل سال‌های سی، نوشت: «می‌توانم بگویم که در پنج‌سال اخیر سلطنت سلطان فقید، تأثیر من بر ادبیات روس به وجود فقدان مطلق وسائل از تأثیر حکومت بیشتر بوده است.»^۱ به راستی پوشکین بر ادبیات روس تأثیر شگرفی داشت. آثار بزرگ او که با دهکدهٔ منتظران ادبی آغاز شده و با دختر سروان و آخرین مقاله او در سورمینکا پایان یافت، به یک منتشر شده و آثار عمیقی بر جای می‌گذاشت.

مرگ پوشکین. شاعر نابالغ، در حالی که، در اوج آوازه و لطافت طبع و طراوت قریحه جای داشت، به یکباره در سن بیست و یک سالگی، به دست قاتلی به نام دانتس^۱ از پای درآمد. مردی که شاعر، بزرگ ادب روس را به خاک انداخت، کسی بود که به زحمت به روسی صحبت می‌کرد:

در ساعت چهل و پنج دقیقه پس از نیم‌روز ۲۹ ژانویه ۱۸۳۷، پوشکین برای همیشه دیده فرو بست. بدین ترتیب سه روز و سه شب بی‌خوابی خاموش شد.

چند روز پس از مرگ پوشکین، شخصی به نام کراسکی^۲ که در روزنامه خود مقاله‌ای در رثاء پوشکین درج کرده بود، از طریق شاهزاده دون دوکوف کورساکوف^۳ رئیس دفتر سانسور احضار شد. شاهزاده به او چنین گفت:

«باید به شما تذکر دهم که آقای وزیر از شما بسیار مکرر به من چنین مقاله‌ای درباره پوشکین نوشته بودید. چرا درباره مردی که در دستگاه من است، صاحب مقام رسمی نبود، کادر سیاهی در روزنامه گشوده و از او یاد کرده بودید،

1. D'anthes

2. Krayevsky

3. Dunkukov-Korsakov

ولی باز این هیچ، ببینید چه نظرهایی درباره او اظهار داشته‌اید؟ «خورشید شعر!» عزیز من، این همه تجلیل برای چه؟ «پوشکین در بحبوحه رونق و اعتبار خود درگذشت!» چه رونق و اعتباری؟...»

ولی دور همان‌حال که وابستگان تزار، این‌گونه از شاعر بزرگ روس سخن می‌گفتند، مردم پاسدار و ارج‌شناس، همان‌ها که پوشکین ستاینده آنان بود، از بر خیز او در کوی «مونیکا» و از برابر مزارش، با سرهای برهنه، چهره‌های پریشان و اندوهبار می‌گذشتند و بر مرگ او تأسف می‌خوردند.

پوشکین در درون چشم نویسندگان روس و شوروی:

پوشکین شاعر نابغه‌ای است که دیروز بزرگ‌ترین نویسندگان روس و امروز برترین شاعران روس و شوروی، از او با ستایش و احترام یاد می‌کنند و به وجود وی بالا می‌نهند.

بلیتسکی می‌گوید: پوشکین یکی از آن نوابغ خلاق و افراد تاریخی بود، که ضمن کوشش برای حال، به آینده می‌اندیشید و می‌گذاشت.

دوبرولیوبوف^۱ می‌نویسد: «پوشکین نخستین کسی بود که زندگی واقعی را آنچنان که به راستی در میان ما وجود داشت، دقیقاً تشریح کرد. اهمیت شایان تاریخی پوشکین در همین است.»

چرنیشفسکی^۲ می‌نویسد: «پوشکین ادیبان را در مسائل، به پایگاه یک هدف صلی بالا برد.»

شچدرین^۳ می‌نویسد: «این نوزدرو^۴های امروزی، به پوشکین الهامات را دعوت می‌کنند که در سایه آرامگاه پوشکین قرارگیرد، ولی اگر کسی بخندد در دل اسرار امروز راه یابد او را به پاسگاه پلیس می‌کشند، همان‌طور که اگر کسی هم می‌بود او را به دست پلیس می‌سپردند.»

گودکی می‌نویسد: «پوشکین نخستین کسی بود که دانست، ادبیات یک امر

1. Dobrolyubov

2. Chernyshevsky

3. Shchedrin

4. Nozdrev

اجتماعی است که حائز بالاترین درجه اهمیت است... در نظر او، شاعر گردونه‌ای است که همه اندیشه و احساسات مردم را به دوش دارد، و وظیفه او آن است که همه نمودهای زندگی را دریابد و آن‌ها را نقش زند...

نه تنها بسیاری از نویسندگان برجسته ادبیات روس، نبوغ پوشكين را می‌ستایند؛ بلکه از تأثیری هم که این شاعر و نویسنده نابغه در آثار آنان داشته است سخن می‌گویند:

گوگول می‌نویسد: «من بی‌اندرز او به هیچ کار دست نزد... یک سطر، بی آنکه... او را در ذهن خود مجسم کنم ننوشتم.»

هرزن می‌نویسد: «تیر تپانچه‌ای که پوشكين را کشت، روح لرمانتوف را بیدار کرد.»

گوگول می‌نویسد: «مکتب پوشكين - گوگول تا امروز دوام دارد، و همه ما نویسندگان فقط به پرورش میراثی مشغولیم که آن‌ها برای ما به جای گذارده‌اند. پوشكين... معلم ما شد. شعر او مرا پرورش داد.»

آستروفسکی می‌نویسد: «ادبیات روس را یک قرن تمام یک تن ارتقاء داد... پوشكين به مردم شعر را باقی گذاشت. عظمت ادبیات ما مرهون اوست...»

تورکنف هنگام گشایش مجسمه پوشكين می‌گفت: «این مجسمه معلم ماست.»

تولستوی گفت: «پوشكين معلم ماست. یک نویسنده باید از آن گنجینه، بهره‌های روزافزون بگیرد.»

گورگی می‌نویسد: «آثار پوشكين را همیشه بخوانید. پوشكين بنیان‌گذار شعر ما و معلم جاویدان همه ماست.»

شاعر خوشبین و امیدوار: پوشكين شاعری است، خوش‌بین و امیدوار که در همه آثار او، سیمای درخشان زندگی جلوه می‌کند. در نوشته‌های او شور

زندگی موج می‌زند. او با بدبینی دشمن است و می‌گوید: «یأس... نخستین گام به سوی سوفیسم است.»

پوشکین انسان شاد و خوشبخت را دوست دارد و معتقد است که انسان می‌تواند خوشبخت باشد و باید برای حصول خوشبختی بکوشد. او می‌گوید: «می‌گویند بدبختی مکتب شایسته‌ای است. شاید چنین باشد، اما رشتبه‌نی بهترین دانشکده‌هاست.»

به روزگار ماکه پرومته سرگرم درهم گسستن زنجیر کهنه قرون است و بدان، اهریمن را به لب‌گور کشیده است، آثار شاعری پرشور و امیدوار چون پوشکین باید تخیل شود. امروز، دشمنان کهنه کار بشر، هنر را نیز دستاویز مقاصد شرعی می‌کنند. آثار نویسندگانی، چون داستایوسکی، آلبر کامو، کافکا، ژان پل سارتر، سیمون دوبووار، و دیگران با شتاب در میان مردم منتشر می‌شود. چسرا؟ روبرو، آن‌ها از مرگ، از تیره‌روزی، از سیاهی، از قبر، از مارومور، از حفره‌های سسانی، از عادات و غرائز غیرطبیعی، از حوادث شگرف و غیرعادی، سخن می‌گویند. آن‌ها معتقدند که انسان محکوم به رنج و عذاب ابدی است. این دوستان، می‌گویند که انسان چون «سزیف» جاویدان باید، سنگ تیره‌بختی را به بالای سر بغلتاند، و آنجا، یعنی در نقطه رهایی و نجات، سنگ به پایین بیفتد و دوباره برای همیشه این ماجرا را تکرار کند.

نشر آثاری از این قبیل، آثاری که گوهر گرانبایه زندگی را می‌آلاید، که انسان را در درکات ضلالت، تیره‌بختی، ابهام و نومیدی به حلقوم می‌اندازد، که هرگونه کوشش رهایی‌بخش را نفی می‌کند، در دوران ما، دست‌بردار دشمنان رهایی انسان‌هاست.

در همان حال که در یک گوشه جهان، از حلقوم‌های تیره‌بختی، آهنگ برمی‌خیزد، در گوشه‌ای دیگر، انسان‌های امیدوار به ارغنون خوشنواي بهروزی، خوشبختی، کامکاری، گوش فرا می‌دهند. این ارغنون خوش‌نوا می‌نوازد:

«تیره‌بختی هم‌زاد انسان نیست، انسان می‌تواند می‌توان خوشبخت باشد، برای خوشبخت‌شدن باید کوشید، باید انگیزه‌های تیره‌بختی را از میان برداشت.»

از همین روست که مردم امیدوار کشور همسایه ما، طی سال‌های حکومت شوروی از آثار شاعر امیدوار خود پوشكين ۴۶ میلیون نسخه، به ۷۶ زبان طبع و نشر کرده‌اند، و سال‌گذشته به مناسبت جشن صد و پنجاهمین تولد او، ۱۱ میلیون نسخه دیگر از آثار او نشر یافت.

آثار پوشكين: آثار معروف پوشكين از این قرار است:

۱- منظومه «رولاند و لودمیل» پوشكين نخستین قسمت این منظومه را در سال ۱۸۰۱ در «تجمع ادبی و ستایش «آرزاماس» برای دوستان خود خواند و مورد ستایش قرار گرفت. در مارس ۱۸۲۰ آن را پایان داد. اساس این منظومه را پوشكين از حماسه «اریوست»^۲ شاعر معروف ایتالیایی به نام «رولاند خشمگین»^۳ گرفته است.

۲- وکنی انیگین^۴. پوشكين این منظومه را بین سال‌های ۱۸۲۲ تا ۱۸۳۱ یعنی طی نه سال سروده است. این منظومه ۷ هزار مصرع است و داستانی است از عشق ساده دختری به نام تاتی‌یانا^۵ به مردی موسوم به «وکنی انیگین» که نخست عشق دختر را نمی‌پذیرد، ولی پس از سالیانی چند، به عشق او برگشتار می‌شود، دختر با او معامله متقابل می‌کند.

۳- باریس گودونو^۶. منظومه‌ای است که پوشكين به طلب از درام‌های شکسپیر نوشته است و در سیمای قهرمان او، بعضی از خصائص «چهارم سوم» مکبت، هانری چهارم قهرمانان شکسپیر دیده می‌شود.

1. Rouslan et Ludmila

2. Arioste

3. Roland le Bfurieux

4. Evguéni oniégueine

5. Tatiana

6. Boris Godounov

۴- دختر سروان. داستانی است رئالیستی مربوط به وقایع شورش بوگاجف. در این کتاب پوشکین از «والتر اسکات» تقلید کرده است. پاره‌ای از آثار دیگر پوشکین از این قرار است.

دوبروسکی - داستان نایب چاپارخانه - داستان تیر تپانچه - منظومه کولی‌ها - منظومه زندانی قفقاز - منظومه فواره باغچه‌سرای - داستان بی‌بی یک - منظومه مدیحه خنجر - منظومه کابریلید^۱ - تبار من - منظومه پالتاوا. منظومه^۲ کنت مولین^۳ - منظومه سوار روپین - افسانه تزارسالتان^۴ - اشعار جوانمرد اسم - موزار و سالیری^۵ میزبان سنگی. بوران. زنگی پتر کبیر. داستانهای «کیز» - دون ژوان. عید در هنگام طاعون. منظومه خانه کوچک - منظومه رولوم

ترجمه‌های پوشکین به فارسی: تا آن‌جا که نگارنده اطلاع دارد آثار زیر از پوشکین به فارسی ترجمه شده است

۱- نایب چاپارخانه مترجم بی‌نام و نامید فارسی

۲- تیر تپانچه سه بار به وسیله آقا سعید نفیسی، احمد موسوی، کاظم انصاری ترجمه شده است.

۳- کولی‌ها مترجم آقای کاظم انصاری

۴- زندانی قفقاز مترجم آقای کاظم انصاری

۵- فواره باغچه‌سرای مترجم آقای کاظم انصاری

۶- بی‌بی پیک مرحوم قهرمانی و آقای مسعود کریم - اسم این داستان را ترجمه کرده‌اند.

۷- پالتاوا ترجمه آقای ایرج علی‌آبادی

1. Gaurielide

۲. نگارنده یادداشت‌هایی در زمینه مقایسه آثار پوشکین با شاعرانی چون شکسپیر، بایرون و شلی دارد که امیدوار است آن‌ها را در کتاب مستقلاً به چاپ برساند.

3. Comte Mouline

4. Saltane

5. Mozart. Salieri

6. Byelkins

۸- سوار رویین آقای رضا آذرخشی به شعر پارسی درآورده‌اند ولی هنوز منتشر نشده است.

۹- بوران مترجم آقای رحمت‌الهی

۱۰- تابوت‌ساز دکتر فیاض

۱۱- دخترخانم دهاتی مترجم آقای سعید نفیسی

۱۲- داستان الک دل آگاه مرحوم وحید دستگردی به شعر پارسی درآورده است.

۱۳- دوبرسکی ترجمه آقای کریم کشاورز

ترجمه منیر: دختر سروان را آقای حسین نوروزی از ترجمه آلمانی آن که به صورت «آرتور لوتر» از روسی انجام شده، به پارسی درآورده است. این ترجمه در سال ۱۹۱۱ در لایپزیک چاپ شده است. همین کتاب را هیجده سال پیش، یعنی در سال ۱۳۱۹، آقای دکتر پرویز خانلری نیز (گویا از روی ترجمه فرانسه) به پارسی درآورده‌اند.

پوشکین «دختر سروان» را در سال‌های ۱۸۳۶-۱۸۳۴ به رشته تحریر درآورد و برای نخستین بار در مجله «ورمینگ» چاپ آن آغاز شد. کسانی که با نوشته‌های پوشکین آشنا هستند این جادو همان لطف و زیبایی را می‌یابند. پوشکین این کتاب را به شورش دهقانان روسیه و به سواگایف اختصاص داده است، از این رو می‌توانیم آن را در زمره داستان‌های تاریخی بیاوریم. آرتور لوتر مترجم آلمانی این کتاب در مقدمه خود می‌نویسد: «در این جا رنالیسم پوشکین چون گوهری به چشم می‌خورد. اگر دختر سروان را با آن را با رمان‌های تاریخی نویسندگان معاصر او (نه فقط در روسیه) مقایسه کنیم، تنها تولستوی را «در جنگ و صلح» با او قابل قیاس می‌یابیم.

کتاب دختر سروان شهرت جهانی دارد و به بیش از ۶۰ زبان ترجمه شده است. تنها ۱۲ ترجمه آلمانی از این رمان در دست است.